

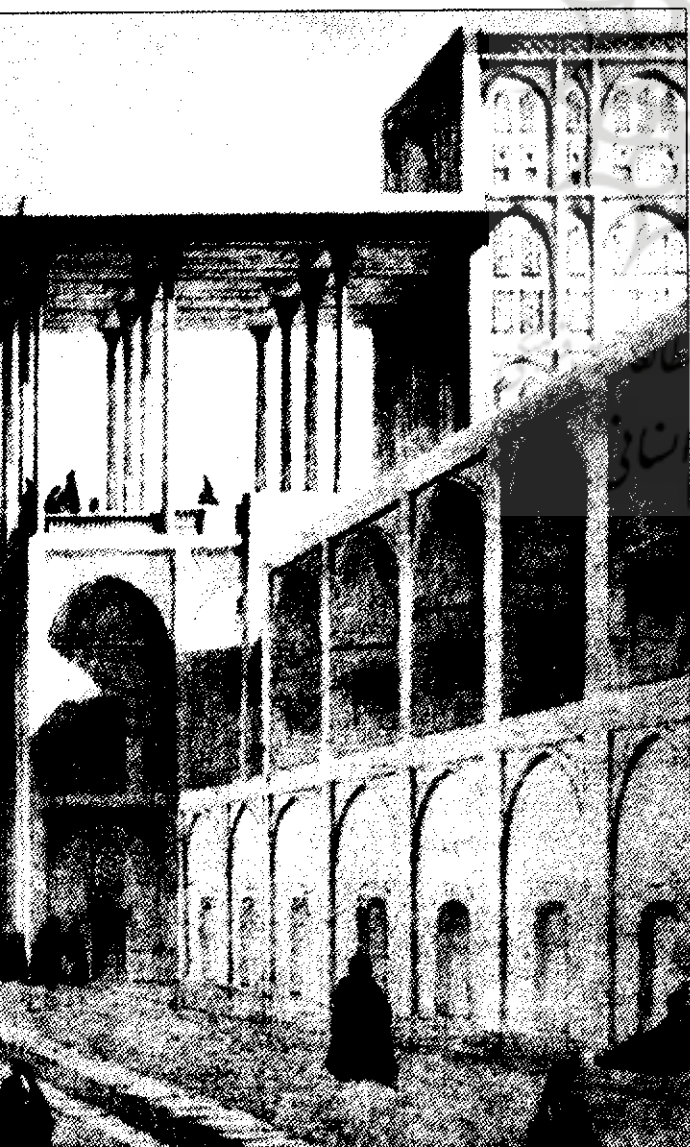
چکیده

مقاله حاضر به بررسی کاخهای شهر اصفهان، پایتخت دوره صفویه می‌پردازد. شاید بهتر باشد که آنها را خانه‌های مجلل نام گذاریم. نگارنده بیشتر سعی کرده است به شناخت پراکندگی آنها در فضای شهر اصفهان بپردازد. و به این نتیجه رسیده است که آنها نه تنها چشم‌انداز پایتخت را زیبا نشان می‌دهند، بلکه به علت ایجاد ساختمانهای عام‌المنفعه در کنار آنها سبب گسترش اشتغال و آبادانی و... در پایتخت صفویه می‌شده‌اند.

مقدمه

انسانها در هر مکان جغرافیایی که استقرار یافتند، سعی کردند آنرا تغییر دهند و انسانهای بعدی به مطالعه تغییراتی پرداختند که انسانهای گذشته در پهنه جغرافیایی ایجاد کرده بودند، تا به روابط و قراردادهای آنها دست یابند (۷: ص ۱۷).

هدف مؤلف نیز توجه به همین عامل در محدوده شناخت خانه‌های مجلی است که در دوره صفویه در شهر اصفهان بنا گردید. مؤلف در پی شناخت به این پرسشها بوده است:



عطیه سادات صابری

کاخهای دوره صفویه در شهر اصفهان بر اساس سفرنامه شاردن

- به چه دلایلی این خانه‌های مجلل ایجاد می‌شده است؟
- صاحبان آنها چه کسانی بوده‌اند و چه اهدافی در ساخت آنها داشته‌اند؟

- آیا ساخت این خانه‌های مجلل برای پایتخت صفویه (به غیر از چشم‌انداز زیبا) فواید دیگری نیز داشته است؟
مبنای تحقیق براساس سفرنامه ژان شاردن فرانسوی است که مدت مدیدی در پایتخت صفویه به سر برده است و به نظر می‌رسد که شناخت کافی از پایتخت صفویه داشته است. او در این باره می‌نویسد:

«قبل از توصیف شهر اصفهان و بناهای آن لازم است موضوعی را متذکر شوم تا از خرده‌گیری سیاحان و مسافران دیگری که درباره آن چیزهایی نوشته‌اند برکنار بمانم. محتاج بیان نیست که من در ظرف ده سال بیشتر اوقات خود را در این شهر به سر برده‌ام و بنا و خانه مهمی نیست که ندیده باشم، زیرا زبان فارسی را به خوبی می‌دانم و نیز از نظر پیشه بازرگانی خود می‌توانستم آزادانه همه جا

به خصوص نزد اعظم و بزرگان رفت و آمد داشته باشم. به‌ویژه آنکه در دربار عنوان بازرگان شاه را داشتم، به سال ۱۶۶۶ در اصفهان با رئیس اداره بازرگانی هلندی موسوم به هربرت دیاژر که در عین حال دانشمند بزرگی بود آشنایی پیدا کردم. در وصف او همین بس که گلیوس استاد بزرگ السنه شرقیه از میان تمام شاگردان خود او را لایق‌تر و سزاوارتر برای جانشین خویش و تصدی کرسی دانشگاه می‌دانست (۴: ص ۵).

در ادامه شاردن به موارد زیر اشاره می‌کند:

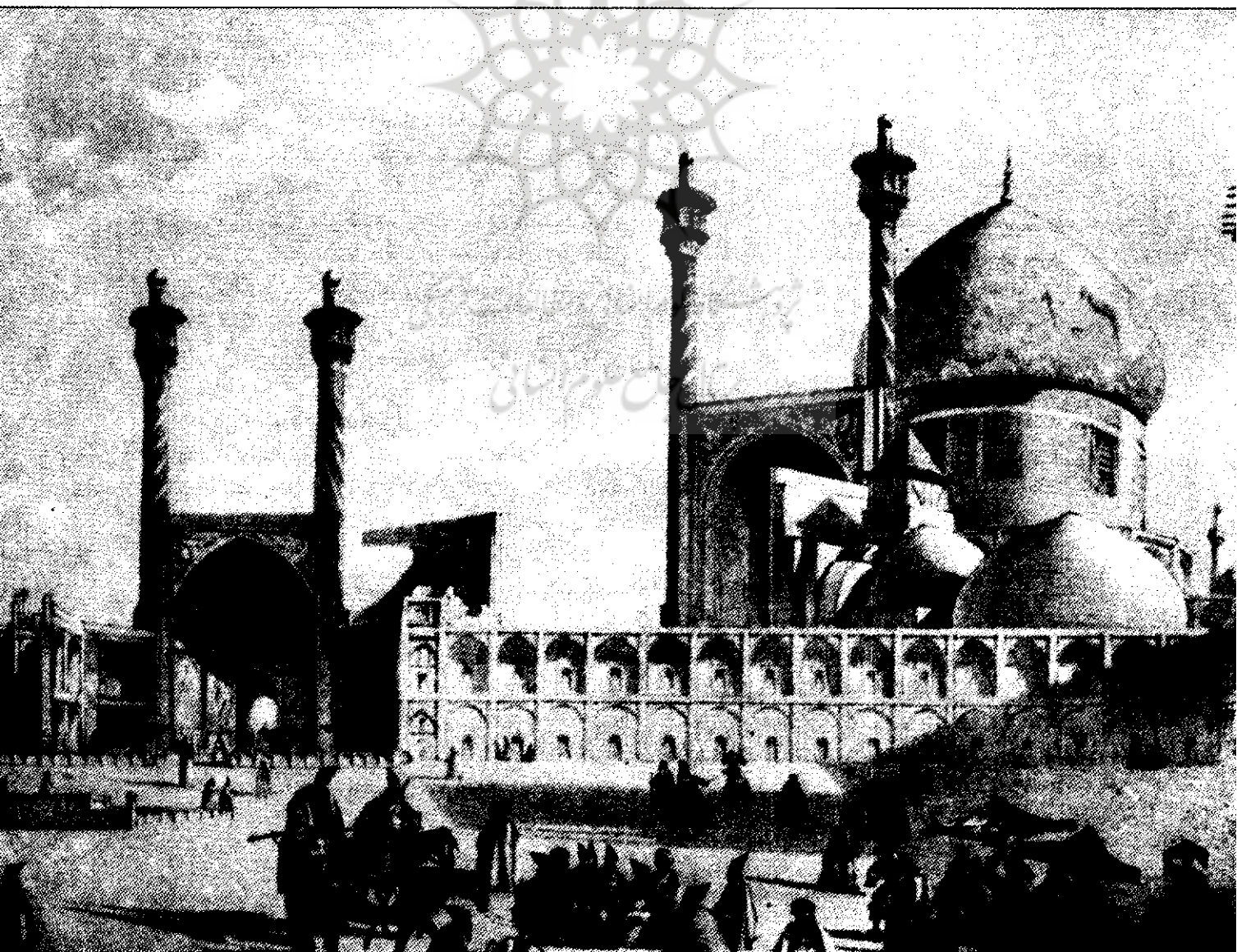
۱- آشنایی با دو روحانی و همراهی آنها با دو محقق

۲- بررسی‌های میدانی و ثبت دقیق آنها

۳- بررسی میدانی مجدد و تطابق مجدد (۴: ص ۹۱۰)

در نهایت متذکر می‌شوم که تحقیق و بررسی با مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی همراه بوده است و سعی شده است. مطالب به صورت مختصر بیان گردد و بیشتر با جدول و نمودار و نقشه نشان داده شود.

کاخ عالی‌قاپو ورودی دولتخانه صفوی از میدان نقش جهان، نقاشی از اوژن فلاندن



چرا اصفهان به عنوان پایتخت برگزیده شد؟

شهر اصفهان از شهرهای مرکزی ایران است که در زمان شاه عباس به عنوان پایتخت دولت صفوی انتخاب می‌شود. دلایل آن را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- ۱- سیاست شهری شاه عباس مبتنی بر گسترش و رونق شهرهای نواحی مرکزی کشور (۸: ص ۱۷).
- ۲- عامل جغرافیایی و طبیعی مانند رودخانه زاینده‌رود، آب و هوای مناسب
- ۳- عامل تجاری مانند نزدیکی اصفهان به پایتخت
- ۴- عامل سیاسی مانند جلوگیری از قدرت قزلباش‌ها
- ۵- عامل نظامی مانند مرکزیت اصفهان و دوری از مرزهای غربی (عثمانی‌ها) و شرقی (ازبکان) (۱: ص ۷۸-۸۰).

ویژگیهای شهرسازی پایتخت صفویه چه بود؟

محققان معتقدند که سیاست شهری شاه عباس بر مبنای توسعه شهر به سمت جنوب بوده است، تا پایتختی جدا از زمان سلجوقیان ایجاد کند. زمین‌های بزرگ و بی‌صاحب در این سوی شهر قرار داشت (۲: ص ۴۱۹).

اصفهان عصر صفویه به شهری دوقلو تبدیل شد و در دو طرف زاینده‌رود گسترش یافت. توسعه در محور جنوبی با ایجاد چهارباغ صورت گرفت و پل الله‌وردی‌خان برای ارتباط بخش شمالی و جنوبی شهر ساخته شد و باغ هزارجریب نقش باغ ملی را ایفا کرد (۵: ص ۳۶-۳۷). در واقع پایتخت صفویه از عوامل زمین و آب به خوبی بهره می‌گیرد و بسافتی پیوسته می‌یابد (۳: ص ۳۰۰) و ریخت‌شناسی (مورفولوژی) شهرهای اسلامی مانند بخش حاکم‌نشین و بخش مرکزی با مساجد و بازار و... (۶: ص ۱۸۹) در آن شکل می‌گیرد. اقشار اجتماعی در این دوره شامل: درباریان و دیوانسالاران، روحانیون و دانشمندان، بازرگانان و پیشه‌وران، کارگران و کشاورزان می‌باشند (۹: ص ۷۷-۷۲).

پراکندگی کاخها و ویژگیهای آن

شاردن توضیحات خود را در مورد پایتخت صفویه از دروازه حسن‌آباد شروع می‌کند که بر مبنای آن به نتایج زیر می‌رسیم:

- ۱- به غیر از کاخهای ارگ دولتی و دریاخانه، صاحبان سایر کاخها خانواده شاهی، صاحب‌منصبان حکومتی، تجار، روحانیون و زنان وابسته به خاندان شاهی مانند خواهر و عمه شاه می‌باشند.

۲- به علت توسعه جدید شهر به طرف جنوب، کاخها در محلات جدید قرار دارند.

۳- به طور کلی ۶۰ درصد کاخها در درون شهر و ۳۴ درصد در حومه شهر قرار دارند.

۴- به محض آنکه یکی از صاحبان کاخها مورد خشم شاهان

صفوی قرار می‌گرفتند و تنبیه سختی که عموماً منجر به مرگ آنها می‌شد، به سبب اینکه افراد دیگر حاضر به سکونت در آنها نمی‌شدند کاخ به صورت مخروبه در می‌آمد و یا به خارجیان و تجار واگذار می‌شد و به تجارتخانه و کارخانه تبدیل می‌شد.

۵- افراد در نزدیکی کاخ خود ابنیه‌ای مانند مسجد برای استفاده مردم و حمام عمومی، قهوه‌خانه، کاروانسرا و بازار و دکانهایی برای ایجاد درآمد می‌ساختند و گاهی آنها را وقف می‌کردند.

۶- به علت قدرت شاه در ضبط اموال، بیشتر کاخها متعلق به شاه بود.

۷- تمول فراوان، عامل دیگر ساخت کاخها بوده است، حتی اگر صاحبان آنها در پایتخت سکونت نداشتند مانند بسیاری از والیان.

۸- قسمت داخلی کاخها، مطابق با معماری سنتی ایران مانند اندرونی و بیرونی، بوده است و تالارهای درونی دارای کاشی‌های مصور و کتیبه‌هایی با اشعار و سخنان نغز به خصوص در مورد گذر دنیا و اعتقاد به آخرت بوده است. ۹- کاخها در کنار خانه‌های مردم بوده است و این باعث می‌شده است که در چشم‌انداز محلات مشخص باشد (۴: ص ۱۰۳، ۶۹، ۱۲، ۲).

به همراه نقشه‌ای از پراکندگی کاخها در محلات اصفهان، فهرستی از تمام عمارات و کاخها براساس سفرنامه شاردن تهیه شده است.

نتیجه‌گیری

وجود ۱۳۷ کاخ در پایتخت صفوی و توسعه شهر در حومه و تفرجگاههای فراوان، نشان‌دهنده آبادانی پایتخت صفویه بوده است. اصفهان شهری است که از نظر موقعیت جغرافیایی (مرکز ایران) گستردگی در زمین‌های هموار، وجود رودخانه زاینده‌رود و... موقعیت مناسبی برای توسعه افقی داشته است. در مورد کاخ‌های آن باید به تراکم در مرکز شهر و محلات جدید، توجه نمود که نشان‌دهنده اهمیت سکونت متمولان و صاحب‌منصبان در مرکز شهر و نزدیکی به دربار را نشان می‌دهد. در ضمن، بسیاری از کاخهای حومه بیشتر به عنوان تفرجگاه سلطنتی بوده است (مانند عمارتهایی در چهارباغ و سعادت‌آباد).

توجه صاحبان کاخها به ایجاد بناهای عمومی مانند مسجد، بازار و کاروانسرا و... سبب آبادانی بیشتر پایتخت، ایجاد اشتغال و تراکم بیشتر جمعیت در آن می‌شده است.

در واقع احداث یک کاخ فقط به منظور ساختن یک خانه مجلل برای مالک آن نبوده است، بلکه سبب بهره‌مندی مردم از امکانات ساختمانهای عام‌المنفعة هموار کاخ می‌شده است که در نوع خود سزاوار توجه است.

پراکندگی کاخها و عمارت‌های اصفهان در دوره صفویه
 پراکندگی این کاخها براساس سفرنامه شاردن به ترتیب با نام،
 سمت و نشانی مشخص شده است.

میرزا رضی منشی الممالک: منشی دربار / کوچه منشی الممالک در
 بیست قدمی دروازه حسن آباد
 میرزا مؤمن: ناظر چهارپا (جمع آوری مالیات جانوران شاخدار که
 به مصرف تغذیه می‌رسید) / آخر کوچه منشی الممالک
 ساروقتی: صدر اعظم اوآخر سلطنت شاه صفی و اوایل شاه عباس
 دوم / بازار، بعد از کوچه منشی الممالک به طرف میدان
 نقش جهان

میرزا شفیق منجم‌باشی: منجم / پشت مسجد شاه
 محمدعلی بیگ خوانسالار: مدیر مطبخ (رئیس آشپزخانه دربار)
 محمد مهدی: وزارت اعظم / وصل به مسجد شیخ لطف‌الله از
 طرف بازار

شیخ الاسلام برادر اعتمادالدوله: برادر نخست‌وزیر
 امام‌قلی‌خان: سپهسالار قشون شاه عباس اول / نزدیکی مدرسه
 صدر (نزدیک مدرسه شیخ لطف‌الله از طرف بازار)
 عالی قاپو (کاخ شاه): میدان نقش‌جهان

مقصود بیگ: وزیر اعظم در زمان نگارش سفرنامه شاردن / بعد از
 بازار رنگرزان و بعد از کاروانسرای خراسانیان و دویست قدمی
 دروازه شاهی

صدر موقوفات: رئیس کل اوقاف کشور / نزدیک دروازه شاهی
 محمد مهدی (اعتمادالدوله): نخست‌وزیر ایران به هنگام مرگ شاه
 عباس دوم / میدان نو (چهارسوق میان بازار رنگرزان)
 شاه طهماسب: شاه (این دو عمارت در آن زمان کارخانه شاهی در
 زمینه تهیه چادر و خیمه و جواهرسازی بوده است)

منوچهرخان: والی خراسان
 جارچی‌باشی: جارچی شاه عباس اول (این کاخ رو به خرابی است)
 / از سمت راست بازار الله‌بیک

بناهای مهم از مغرب به شمال

میرزا اشرف: پزشک مهم کشور / اولین بنا از سمت مغرب (قبل از
 کوچه قلعه طبرک)
 یلانچی‌خان: از رجال مهم کشور / کوچه سمت راست (کوچه قلعه
 طبرک)

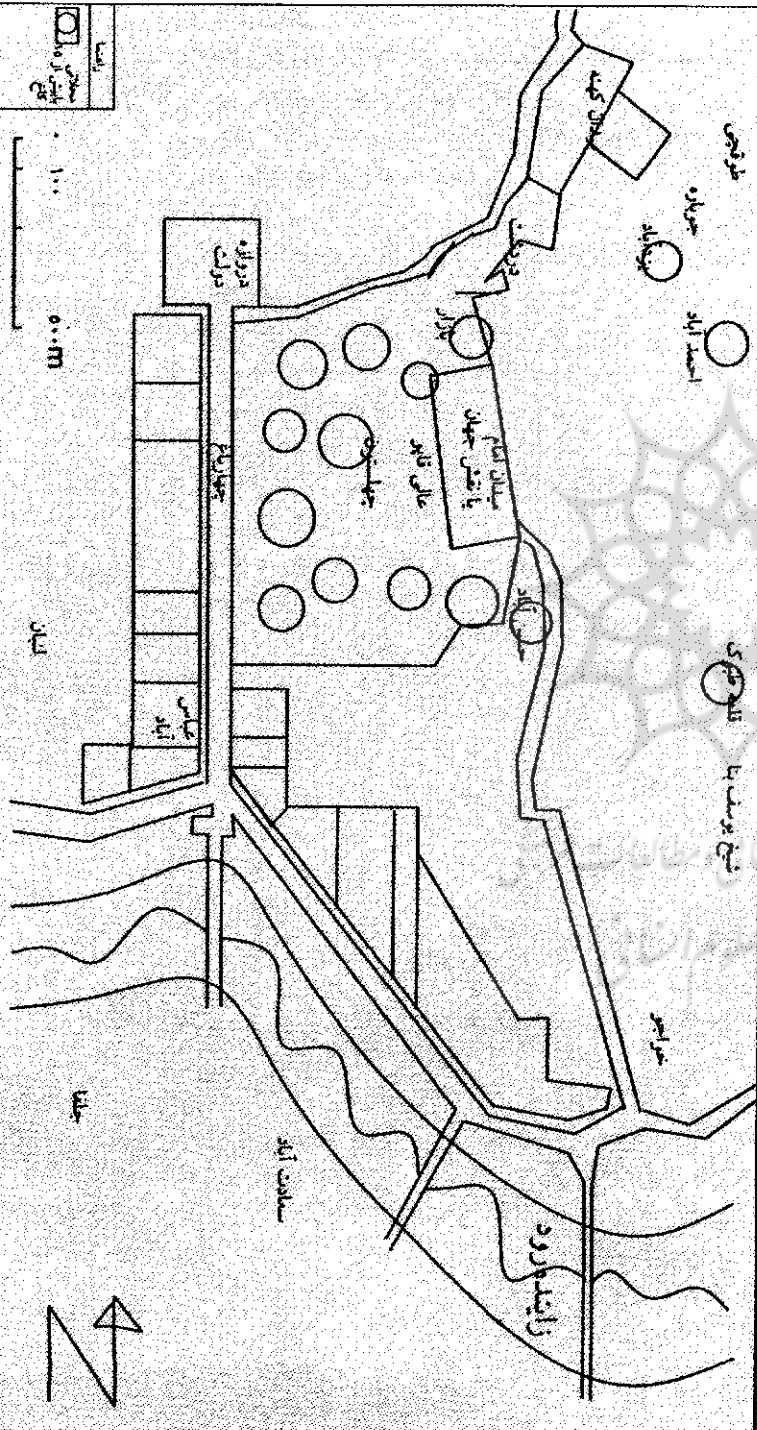
کاخ شاه: شاه

سیاوش‌خان: قوللر آقاسی / بعد از کاروانسرای گرجی‌ها
 گدا علی‌بیگ: مستوفی / کوچه گدا علی‌بیگ (بعد از دو راهی که
 به میدان شاه ختم می‌شود)

رستم‌خان: از والیان شهرستانها

سلمان‌خان علی میرزاییک: یکصد و پنجاه قدمی بعد از خانه
 رستم‌خان

امام‌قلی‌خان: والی فارس و سپهسالار ارتش ایران / نزدیک مسجد
 فتح‌الله



صفی میرزا: ولیمهد شاه عباس اول / به سمت میدان شاه بعد از
 کاروانسرا
 حاتم بیگ: داروغه اصفهان / نزدیک برج سرکه در کوی دارالبطیخ
 (در کوچه گلخند)
 حسن آشپز: آشپز دربار / بعد از مدرسه جمفریه
 کارم: متعلق به شاه و برای مهمانهای شاه / از یسجالیهای
 احمدآباد به طرف مغرب
 توپچی باشی: توپچی شاه عباس اول
 میرزا شفیخ: وقایع نگار / نزدیک خانه کارمها
 میرزاخان: والی زمان شاه عباس / به طرف محله دارالبطیخ
 معمار باشی: والی زمان شاه عباس / نزدیک چهارسو، کوچه
 عرق گیرها، مسگران، نمکی، دو برادران و نزدیک حمام فردوس
 شاهزاده کوچک: مجتهد زمان شاه عباس دوم / تختگاه به طرف
 میدان شهر (نزدیک هارون ولایت)
 جلودار باشی: جلودار
 فریدون طبیب: طبیب / کوچه فریدون طبیب
 مهتر دشت مور: کوچه دشت مور
 مستوفی الممالک: مستوفی / کوچه مستوفی الممالک
 میراسماعیل: کوچه میراسماعیل (بعد از اصطبلهای
 صاحب الزمان)
 شیب میرزا: محله نیمآورد
 میرزا قاضی شیخ الاسلام: روحانی / کود نیمآورد
 ابراهیم سلطان چورکچی باشی: (بعد از آن مسجد حکیم داود است)

میرزا معصوم: فرزند اعتمادالدوله وزیر شاه عباس / آخر چهارراه
 میرزا معین
 چلبی اسلامبولی: تاجر عثمانی
 زین دار باشی: زین دار شاه
 سران: از سران نواحی غربی
 اسماعیل بیگ: بالاتر از قبرستان کهنه
 عسزب باشی: (پیش غلامان غیرمتأهل شاه) / مقابل کاخ
 اسماعیل بیگ
 کاپوسن ها: روحانی مسیحی فرانسوی در اوان سلطنت شاه
 صفی / در سی قدمی بازار محمدامین
 یوزباشی: آغلو (فرمانده صد نفر) / نزدیک مدرسه آقا کافور (بعد
 از آن احمدآباد یا باغ توت است)
 میرزا رضی:
 آقا شریف استیفایی:
 خلیفه گری: کشیش بین النهرین
 خلیفه سلطان: داماد وزیر اعظم / محله یزدآباد
 حکیم عبدالله: پزشک معروف / محله یزدآباد
 جانی خان: سردار گرجیان / کوچه میبدیان
 طهمورث خان: آخرین پادشاه گرجستان
 مشعل دار باشی: از صاحب منصبان شاه / به سمت میدان شاه
 میرزا سعید نالینی:
 خواجه محرم: مهتر سوگلی شاه صفی / سمت راست مسجد
 مقصود بیگ



اگوستن‌ها: برای سکونت هیأت‌های مذهبی / نزدیک مسجد
سنجریه

میرزا جعفر قاضی: پیش‌نماز مسجد جامع و خانه‌نشین / بعد از
محله حسینی (از دردمشت به بعد)

خانه کلاتر: کلاتر / بعد از مدرسه باغ سهیل

میرزا تقی ناظر گرجیان: با فاصله بعد از خانه کلاتر

اسماعیل بیگ: صاحب دیوان / کوچه اسماعیل بیگ

مفتی: قاضی القضاة جامعه مسلمانان / کوچه شمس زمین عالم
گزمه: میرشپ

کاخ: مسکن فواش / کوچه آقا جماله

حاج فتح مروارید فروش: جواهر فروش / (بعد از باغ وزیران) کوچه نو

کاخ آقا زمان: به طرف دروازه عباسی

کاخ دیگر: به طرف دروازه عباسی

قصر بولاغی: متعلق به شاه برای سفیر خارجه / محله قصر
بولاغی

میرزا حبیب مجتهد: مجتهد / نزدیک قصر بولاغی

حومه شهر

عمارت هزار جریب: متعلق به شاه / نزدیک دروازه شاهی
(چهارباغ)

عمارت کلاه فرنگی: متعلق به شاه / مقابل عمارت هزار جریب در
باغ هزار جریب نزدیک دروازه شاهی

حکیم مسند: کوچه بابا کماله

میرزا جلال: داماد شاه عباس

محمدباقر خراسانی: رئیس مدرسه [ملا] عبدالله (از مدارس
اصفهان و مجتهد)

محمدباقر یزدی: بزرگترین ریاضیدان کشور

محمدباقر منجم‌باشی: منجم

اقورلوی بیگ دیوان‌یگی: رئیس محاکم حقوقی و جزایی / وصل به
دروازه لبنان

حکیم‌باشی: حکیم / کوچه حکیم‌باشی

خواجه امین‌الدوله: اعتمادالدوله شاه طهماسب

ملا آذر: جارچی‌باشی زمان سلطان ملک علی

میرزا صدر جهان: محله دردمشت (به سمت میدان کهنه)

مشعلدار باشی مستوفی الممالک: مشعل‌دار مستوفی

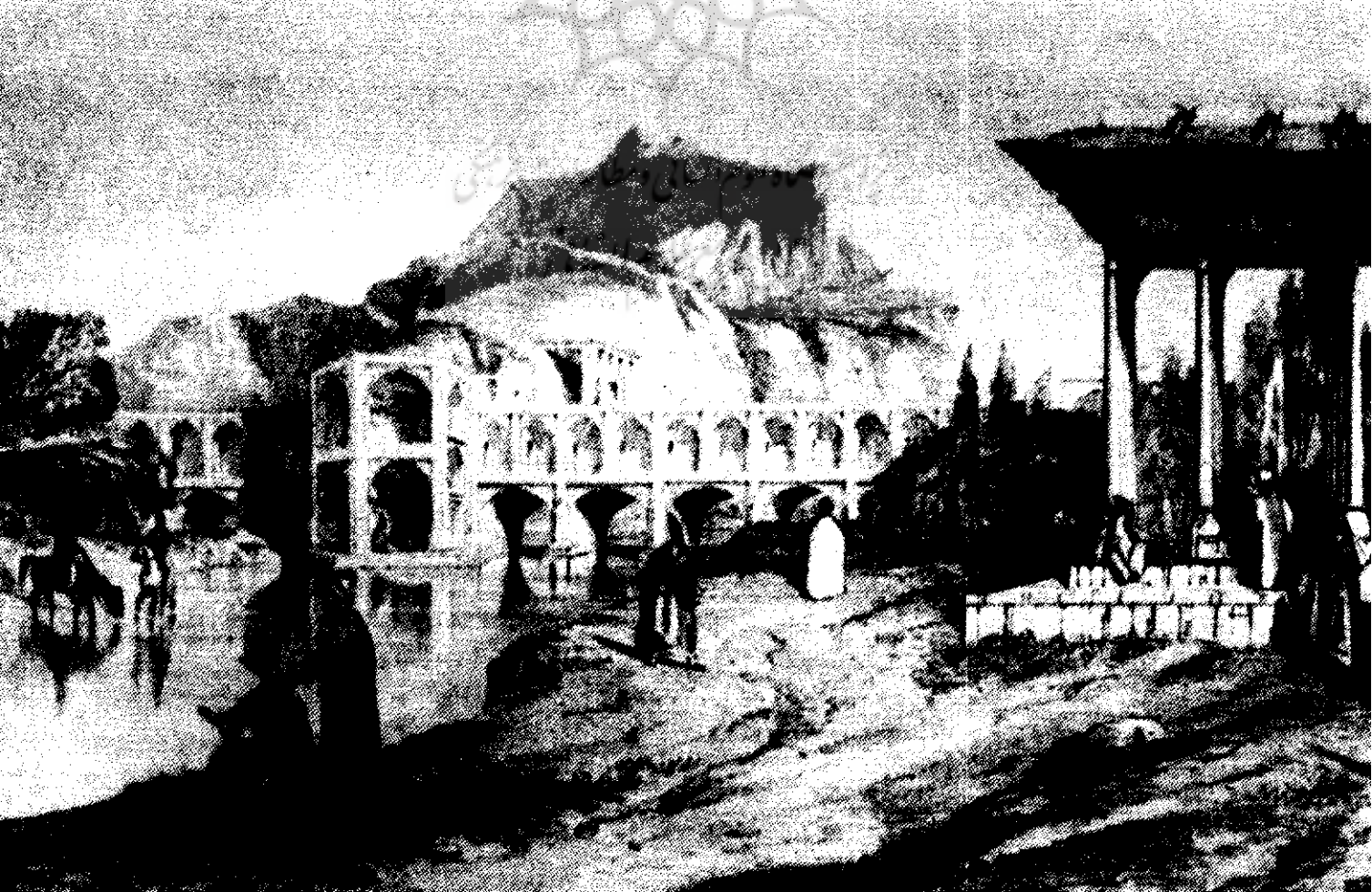
ولی جارچی باشی: رئیس جارچیان / بعد از قصر مشعلدار باشی
میرزا کوچک: صدر خاصه

عباس قلی بیگ مهر دار: دو راهی کوچه ذوالفقار و حکیم فریدون
امیر شکار باشی: مدتی شاه عباس در آن سکونت داشته / میدان
کهنه

منزل وزیر یا حاکم میدان: خزانه سلطنتی در آنجا بوده است /
قلعه طبرک

سنجر میرزا پادشاه رس: معاصر شاه عباس و از فرزندان امام حسین
/ مسجد جامع عتیق (محله حسینی)

دورنمای کاخ‌های آینه‌خانه و سعادت آباد در جنوب زاینده‌رود - نقاشی از اوژن فلانین



کاخ امیر شکارباشی: سمت راست

تفنگچی باشی: تفنگچی شاه / سد سمت راست

دو کاخ متعلق به طبیبان شاه: طبیب / محله عباس آباد
صدر خاصه: دایی شاه و مجتهد و متصدی در موقوفات شاه و
خانواده اش / در آخر سمت چپ کوچه محمدبیک
توپچی باشی: توپچی / چسبیده به حصار شهر در محله عباس آباد
میرزا رضا: سمت راست اصطبل های شاه
عمارت بهشت: شاه / باغ بلبل

میرزا خان بیک: تاجرباشی زمان شاه عباس و جاسوس به
کشورهای دیگر / کوچه آجرسازان
کمال بیک: جواهرفروش

محله شیخ یوسف بنا

میرزا اشرف: وزیر محمدمهدی اعتمادالدوله در اواخر شاه عباس
دوم / کوچه شیخ یوسف بنا
سفارتخانه هلشتین

سایر عمارت های پراکنده

پل بابارکن الدین

قصر غلامان شاه: غلام شاه

قصر موستان تاکستان

هزار جریب کوچک

سعادت آباد (گبران)

چندین کاخ شاهی

جلفا

کلاه فرنگی های مثل تخت سلیمان: در کوه صفا

حاج هدایت سرهنگ: سرهنگ / بعد از محله طوقچی (به نام

فلفلچی)

دردشت

حاجی بیک شربتچی باشی: شربتچی باشی شاه / نزدیک دروازه

عباسی

زینب بیگم: دختر شاه طهماسب و عمه شاه عباس اول

احمدبیک یوزباشی: رئیس خواجگان سفیدپوست / سمت چپ

دروازه دولت (نزدیک خیابان مشجر باغ بادام)

منابع

۱- اعرابی هاشمی، شکوه السادات. «اصفهان عصر صفوی به روایت
سفرنامه های اروپاییان»، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۱۱.

۲- دانشگاه کمبریج، تاریخ ایران (دوره صفویه)، ترجمه یعقوب
آژند، تهران، شفق، ۱۳۸۰.

۳- سلطانزاده، حسین. مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در
ایران، تهران، امیرکبیر چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۴- شاردن، ژان. سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ترجمه حسین
عریضی، اصفهان، گله، ۱۳۷۷.

۵- شفقی، سیروس. «اصول شهرسازی اصفهان عصر صفویه»،
فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۱۵.

۶- شکوئی، حسین. دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، جلد
اول، تهران، سمت، ۱۳۷۳.

۷- شکوئی، حسین. فلسفه جغرافیا، تهران، گیتاشناسی، چاپ نهم،
۱۳۷۷.

۸- مهدی زاده دهقانی، ناصر. تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی
شهری در ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۳.

۹- نجاران، مصطفی. بررسی وضعیت افشار اجتماعی مردم اصفهان
در عصر صفوی، شماره ۱۲.

محله خواجوی کوچک از دروازه حسن آباد

خرابه های قصر شاه حسن: اوزون حسن آق قویونلو / ابتدای محله
خواجو از دروازه حسن آباد
کالیوک: کوچه بابارکن الدین (نزدیک محله شاهزید)
قاضی معز: در زمان شاه عباس به درستی و عدالت معروف بوده
است / خواجوی کوچک
علی بیک: پسر علیمردان خان حاکم قندهار
میرزا رضی (در گذشته به نام حوایبگم): دختر شاه عباس
غازی خان یا قاضی خان: محل سکونت زوار / خواجوی کوچک،
سمت چهارسوق اسفندیاریک در کوچه صالح آباد
وقایع نویسی: وقایع نگار / محله خواجو سمت چپ خیابان چهارباغ
نقاره چیان هندی: محل سکونت کرنا زنان و نوازندگان هندی
میرزا طاهر ناظر: ناظر بیونات شاه / در انتهای کوچه گاریچیان

محله خواجوی بزرگ

تفنگدارباشی: تفنگدار شاه عباس که مسورد غضب او شد و
کاپوسن ها در آن سکونت دارند / خواجوی بزرگ (نزدیک بازار
مستوفی و مسجدی به همین نام)
شیخ بهاء الدین: مؤلف جامع عباسی / خواجوی بزرگ (آخرین
بنای خارج شهر)

محله عباس آباد

محمدظاهر منجم باشی: منجم شاه و عالم در هندسه و نجوم /
کوچه دروازه دولت یا دروازه پشت مطبخ
ساروتقی: وزیر اعظم / قبل از کوچه نهر شاهی یا مادی نیاسرم
محمدمؤمن باغبان باشی: رئیس باغبانهای شاهی / بعد از دو پل
نزدیک مسجد ملکبیک تبریزی
زرگرباشی: زرگر
میر قاسمبیک کلانتر: کلانتر
میر عزیزالله: جواهرفروشی در هندوستان
پسر داودخان: از اشراف کور شده به فرمان شاه صفی / نزدیک
میدان بزرگ محله
میر معصوم: پس از مسجد لنبان
ملکه التجار: تاجر / در انتهای کوچه
اقور لویبیک: صاحب دیوان / کوچه آجرسازان
نجف قلی بیک: سفیر ایران در هندوستان